

عنوان درس:

# فرق بین احد و واحد و معنای احد بودن خدای متعال

ویژه جوان

ارائه محتوا جهت استفاده  
مرییان، ائمه جماعت و والدین محترم  
[www.SalehinZn.ir](http://www.SalehinZn.ir)





سازمان بسیج مستضعفین  
معاونت تربیت و آموزش  
مرکز آموزش‌های محاذی

# قرآن

## فهرست

۲ ..... فرق بین احد و واحد و معنای احد بودن خدای متعال

۴ ..... معنای واحد بودن خداوند





## فرق بین احد و واحد و معنای احد بودن خدای متعال

نخستین آیه از این سوره در پاسخ سؤالات مکرری که از ناحیه اقوام یا افراد مختلف در زمینه اوصاف پروردگار شده بود می‌فرماید: «بگو او خداوند یکتا و یگانه است» (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) آغاز جمله با ضمیر «هو» که ضمیر مفرد غائب است و از مفهوم مبهمی حکایت می‌کند، در واقع رمز و اشاره‌ای به این واقعیت است که ذات مقدس او در نهایت خفاء است و از دسترس افکار محدود انسانها بیرون، هر چند آثار او آن چنان جهان را پر کرده که از همه چیز ظاهرتر و آشکارتر است چنان که در آیه ۵۳ سوره فصلت می‌خوانیم: سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ (به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانسان به آنها نشان می‌دهیم تا آشکار گردد که او حق است).

سپس از این حقیقت ناشناخته پرده برمی‌دارد و می‌گوید: (او خداوند یگانه و یکتا است).

ضمنا معنی «قل» (بگو) در اینجا این است که این حقیقت را ابراز و اظهار کن.

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) آمده است که بعد از ذکر این سخن فرمود: کفار و بت‌پرستان با اسم اشاره به بت‌های خود اشاره کرده، می‌گفتند: «این خدایان ما است ای محمد! تو نیز خدایت را توصیف کن تا او را ببینیم و درک کنیم» خداوند این آیات را نازل کرد: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ... «هَاء» در «هو» اشاره به تثبیت و توجه دادن به مطلب است، «واو» ضمیر غائب است و اشاره به غائب از دید چشمها و دور از لمس حواس .

بعضی «احد» و «واحد» را به یک معنی تفسیر کرده‌اند و معتقدند هر دو اشاره به آن ذاتی است که از هر نظر بی نظیر و منفرد می‌باشد، در علم یگانه است، در قدرت بی مثال است، در رحمانیت و رحیمیت یکتا است، و خلاصه از هر نظر بی نظیر است .

کلمه «احد» صفتی است که از ماده «وحدت» گرفته شده، هم چنان که کلمه «واحد» نیز وصفی از این ماده است، چیزی که هست، بین احد و واحد فرق است، کلمه «احد» در مورد چیزی و کسی بکار می‌رود که قابل کثرت و تعدد نباشد، نه در خارج و نه در ذهن، و اصولاً داخل اعداد نشود، به خلاف کلمه «واحد» که هر «واحدی» یک ثانی و ثالثی دارد یا در خارج و یا در توهم و یا به فرض عقل، که با انضمام به ثانی و ثالث و رابع کثیر می‌شود، و اما احد اگر هم برایش دومی فرض شود، باز خود همان است و چیزی بر او اضافه نشده.

مثالی که بتواند تا اندازه‌ای این فرق را روشن سازد این است که: وقتی می‌گوییم «احدی از قوم نزد من نیامده» در حقیقت، هم آمدن یک نفر را نفی کرده‌ای و هم دو نفر و سه نفر به بالا را، اما اگر بگوییم: «واحدی از قوم نزد من نیامده» تنها و تنها آمدن یک نفر را نفی کرده‌ای، و منافات ندارد که چند نفرشان نزدت آمده باشند، و به خاطر همین تفاوت که بین دو کلمه هست، و به

خاطر همین معنا و خاصیتی که در کلمه «اِحد» هست، می‌بینیم این کلمه در هیچ کلام ایجابی به جز در باره خدای تعالی استعمال نمی‌شود، (و هیچ وقت گفته نمی‌شود: جاءنی اِحدٌ مِنَ القوم- احدى از قوم نزد من آمد) بلکه هر جا که استعمال شده است کلامی است منفی، تنها در مورد خدای تعالی است که در کلام ایجابی استعمال می‌شود. ولی این تفاوت با موارد استعمال آن در قرآن مجید و احادیث چندان سازگار نیست.

یکی از بیانات لطیف مولانا امیر المؤمنین (علیه السلام) در همین باب است که در بعضی از خطبه‌هایش که در باره توحید خدای عز و جل ایراد فرموده چنین آمده: «كُلُّ مُسَمِّي بِالْوَحْدَةِ غَيْرُهُ قَلِيلٌ» یعنی- و خدا دانایتر است- هر چیزی غیر خدای تعالی، وقتی به صفت وحدت توصیف شود، همین توصیف بر قلت و کمی آن دلالت دارد، به خلاف خدای تعالی که یکی بودنش از کمی و اندکی نیست. بعضی نیز معتقدند: اِحد اشاره به بساطت ذات خداوند در مقابل اجزاء ترکیبیه خارجیّه یا عقلیه (جنس و فصل، و ماهیت و وجود) است، در حالی که واحد اشاره به یگانگی ذات او در برابر کثرات خارجیّه می‌باشد.

در حدیثی از امام محمد باقر (علیه السلام) می‌خوانیم: «أحد» فردی است یگانه و «اِحد» و «واحد» یک مفهوم دارد، و آن ذات منفردی است که نظیر و شبیهی برای او نیست، و «توحید» اقرار به یگانگی و وحدت و انفراد او است.

در ذیل همین حدیث می‌خوانیم: «واحد از عدد نیست، بلکه واحد پایه اعداد است، عدد از دو شروع می‌شود، بنا بر این معنی «اللّه اِحد» یعنی معبودی که انسانها از ادراک ذات او عاجزند، و از احاطه به کیفیتش ناتوان، او در الهیت فرد است و از صفات مخلوقات برتر. در قرآن مجید نیز «واحد» و «اِحد» هر دو به ذات پاک خداوند اطلاق شده است.

## معانی واحد بودن خداوند

جالب اینکه در توحید صدوق آمده است که مردی اعرابی در روز جنگ «جمل» برخاست عرض کرد: ای امیر مؤمنان! آیا می‌گویی خداوند واحد است؟ واحد به چه معنی؟ ناگهان مردم از هر طرف به او حمله کردند، و گفتند: ای اعرابی! این چه سؤالی است؟ مگر نمی‌بینی فکر امیر مؤمنان تا چه حد مشغول مساله جنگ است؟ هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد! امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: «او را به حال خود بگذارید، زیرا آنچه را که او می‌خواهد همان چیزی است که ما از این گروه دشمن می‌خواهیم» (او از توحید سؤال می‌کند، ما هم مخالفان خود را به توحید کلمه دعوت می‌کنیم).



سپس فرمود: ای اعرابی! اینکه می‌گوئیم خدا «واحد» است چهار معنی می‌تواند داشته باشد که دو معنی آن در باره خدا صحیح نیست، و دو معنی آن صحیح است.

اما آن دو که صحیح نیست: وحدت عددی است. این برای خدا جائز نمی‌باشد (بگوئیم او یکی است و دو تا نیست، زیرا مفهوم این سخن آن است که دومی برای او تصور می‌شود ولی وجود ندارد، در حالی که مسلماً برای ذات بی‌نهایت حق دومی تصور نمی‌شود) چرا که چیزی که ثانی ندارد داخل در باب اعداد نمی‌شود، آیا نمی‌بینی که خداوند کسانی را که گفتند: «إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثٌ» (خدا سومی از سه نفر است) تکفیر کرده؟

دیگر از معانی واحد که بر خدا روا نیست این است که به معنی واحد نوعی باشد، مثل اینکه می‌گوئیم فلان کس یکی از مردم است، این نیز بر خدا روا نیست (چرا که خدا نوع و جنسی ندارد) مفهوم این سخن تشبیه است و خدا از هر گونه شبیه و نظیر برتر و بالاتر است.

اما آن دو مفهومی که درباره خدا صادق است نخست اینکه گفته شود خداوند واحد است یعنی در اشیاء عالم شبیهی برای او نیست، آری پروردگار ما چنین است.

دیگر اینکه گفته شود پروردگار ما أَحَدٌ الْمَعْنَى است (یعنی ذات او تقسیم‌پذیر نیست، نه در خارج و نه در عقل، و نه در وهم) آری خداوند بزرگ چنین است، کوتاه سخن اینکه خداوند احد و واحد است و یگانه و یکتا است نه به معنی واحد عددی، یا نوعی و جنسی، بلکه به معنی وحدت ذاتی، و به عبارت روشنتر وحدانیت او به معنی عدم وجود مثل و مانند و شبیه و نظیر برای او است.

دلیل این سخن نیز روشن است: او ذاتی است بی‌نهایت از هر جهت، و مسلم است که دو ذات بی‌نهایت از هر جهت غیر قابل تصور است، چون اگر دو ذات شد هر دو محدود می‌شود، این کمالات آن را ندارد، و آن کمالات این را (دقت کنید). احد صفت الله است. معنای این صفت درباره خداوند، مبالغه در وحدت تام و کامل و نفی هر گونه ترکیب صوری و عقلی است و لازمه احدیت و نفی ترکیب، جامعیت صفات کمال از علم و قدرت و حیات و اراده و خیر می‌باشد. در احتجاج از داود بن قاسم روایت کرده که از حضرت جواد معنای «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را سؤال نمودم فرمود احد کسی است که همه مردم به اتفاق آراء اقرار دارند به یگانگی او مگر نمی‌شنوی قول پروردگار را که میفرماید: «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ». (اگر از این مردم مشرک سؤال کنی چه کسی آسمانها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را مسخر نموده میگویند خدای تعالی).

# قرآن

احد: به معنای بی همتا است. باید دانست: احد گاهی در وحدت عددی استعمال می‌شود در اینصورت اسم است مانند: إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ: «زمانی که مرگ یکی از شما فرا رسيد». و مانند: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» و گاهی در وحدت وصفی بکار می‌رود، در این صورت، وصف است به معنی بی همتا و بی مانند و فقط به ذات خداوند اطلاق می‌شود در آیات قرآن آن گاه که منظور آن بوده که دوگانگی را از خدا نفی کند لفظ «واحد» بکار رفته است نظیر: «وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ»، خداوند سبحان فرموده: «به راه شرک و دو گانه پرستی نروید، پروردگار شما واحد است».

